

نبرد با قابیلیان
در جنگل‌های شمال

روایتی از نبرد فرماندای سپاه باحسار انانقلاب اسلامی

با گروه‌های تروریستی کفر و نفاق

حمید ابوطالب سید محمدی

(حمید مقدم)



سرشناسه: سیدمحمدی، سیدابوطالب، ۱۳۳۵ -

عنوان و نام پدیدآور: نبرد با قابیلیان در جنگل‌های شمال:
روایتی از نبرد قهرمانانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با گروه‌های تروریستی کفر و نفاق/
سیدابوطالب سیدمحمدی (سیدمقداد)؛ ویراستار مصطفی پاکدل‌نژاد.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات فرهنگ و تمدن، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۶۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۹۱-۶۷-۱

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

عنوان دیگر: روایتی از نبرد قهرمانانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با گروه‌های تروریستی کفر و نفاق.
موضوع: ضد انقلاب و ضد انقلابیون — ایران — گیلان — خاطرات

موضوع: Counterrevolutionaries — Iran — Gilan — Diaries

موضوع: ضد انقلاب و ضد انقلابیون — ایران — مازندران — خاطرات

موضوع: Counterrevolutionaries — Iran — Mazandaran — Diaries

موضوع: ایران — تاریخ — جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ — جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع: Iran — History — Islamic Republic, 1979 — *Protests and movements

رده‌بندی کنگره: DSR1۶۵۹

رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۳۰۷۲

شماره ثبت: ۶۱۲۱۵۲۶ ملی



فرهنگ و تمدن

نبرد با قابیلیان در جنگل‌های شمال

(روایتی از نبرد قهرمانانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با گروه‌های تروریستی کفر و نفاق)

نویسنده: سیدابوطالب سیدمحمدی (سیدمقداد)

مدیر اجرایی: بهمن شریفی‌فقیه

ویراستار: مصطفی پاکدل‌نژاد

طراحی و صفحه‌آرایی: سارا فلاح‌نیاسر

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۹۹ تهران

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

ISBN: 978-600-6691-67-1

کلیه حقوق چاپ و نشر محفوظ است.

انتشارات فرهنگ و تمدن: تهران، سهروردی شمالی، خیابان میرزایی زینالی غربی، شماره ۱۱۷،
واحد ۳، تلفن: ۸۸۵۸۱۱۰۴، ۸۸۷۴۷۹۹۶-۸، پست الکترونیک: sfti_1390@yahoo.com



۱	پیشگفتار
۵	بخش اول: ماجرای جنگل‌های شمال
۷	درآمد
۹	ماجرای جنگل‌های شمال
۱۹	بخش دوم: گیلان
۲۱	درآمد
۲۲	تاریخچه ورود منافقین به جنگل‌های استان گیلان
۵۰	منافقین مستقر در جنگل‌های پره‌سر و خوابه
۵۲	اقدامات تروریست‌ها در جنگل‌های شاندیز، خلخال، اسالم
۵۵	جریان جنگل‌های فومن و شفت
۵۷	جریان جنگل‌های رودبار
۵۹	گروه تروریستی چریک‌های فدایی خلق اقلیت در جنگل‌های مازانه هاشم (ع)
۶۰	بحث جنگل‌های سیاهکل و دیلمان
۶۱	بحث جنگل‌های رودسر (چابکسر، کلاچای و رحیم آباد)
۶۳	بحث جنگل‌های آستانه اشرفیه
۶۶	حضور و اقدامات تروریستی منافقین در جنگل‌های رامسر و تنکابن
۶۷	استارت فاز نظامی منافقین رامسر
۷۲	اقدامات منافقین رامسر پس از اعلام فاز مسلحانه از سوی سازمان
۷۹	بخش سوم: مازندران و گرگان
۸۱	درآمد
۸۳	۱- سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران



- ۹۱..... اقدامات عملیاتی گروه هاشرف دهقانلی» (ارتش آزادی بخش خلق‌های ایران) در جنگل‌های مازندران .. ۹۱
- ۹۱..... عملیات انهدامی نکل تلویزیونی «سوردار» واقع در منطقه‌ی جنگل کوهستانی علمده و نور ... ۹۱
- ۹۱..... عملیات کمین در جاده‌ی هراز ۹۱
- ۹۲..... عملیات تهاجمی علیه پایگاه بسیج شیرگاه ۹۲
- ۹۶..... عملیات کمین و مسدود کردن جاده‌ی قائم‌شهر - ساری ۹۶
- ۹۹..... لیات محاصره‌ی پاسگاه لایوچ نور ۹۹
- ۱۰۱..... عملیات کمین و راه‌پندان جاده‌ی گلندرود شهرستان نور ۱۰۱
- ۱۰۳..... جنگی کشته شدن محمد حرمتی‌پور ۱۰۳
- ۱۰۷..... ۲- سازمان مه‌آبادین خلق (سازمان منافقین) ۱۰۷
- ۱۰۸..... چگونگی ورود سازمان به جنگل‌های شمال ۱۰۸
- ۱۱۳..... شیوه شگردم‌های سازمان در جنگل‌های شمال ۱۱۳
- ۱۱۳..... اقدامات سازمان منافقین در جنگل‌های مازندران و گرگان ۱۱۳
- ۱۱۵..... فعالیت منافقین در جاده‌های روستایی ۱۱۵
- ۱۱۷..... اقدامات تقابلی سپاه پاسداران با سازمان منافقین در جنگل‌های مازندران و گرگان ۱۱۷
- ۱۱۸..... چگونگی فروپاشی تشکیلات جنگل سازمان ۱۱۸
- ۱۲۰..... ۳- گروه تروریستی مائوئیستی در تهران ۱۲۰
- ۱۲۷..... ۴- اتحادیه‌ی کمونیست‌های ایران (سربداران) ۱۲۷
- ۱۳۵..... خط‌مشی اتحادیه‌ی کمونیست‌ها در مبارزات جبهه‌ای ۱۳۵
- ۱۳۷..... اقدامات سازمان اتحادیه‌ی کمونیست‌ها (سربداران) در منطقه ۱۳۷
- ۱۴۰..... حمله‌ی نهایی یا خودزنی اتحادیه‌ی کمونیست‌ها در ششمین سال ۱۳۶۰ ۱۴۰
- ۱۴۴..... چگونگی ورود و استقرار چریک‌های مهاجم در شهر آمل ۱۴۴
- ۱۵۲..... حسن ختام ۱۵۲
- ۱۵۴..... برخی منابع ۱۵۴

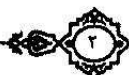
همان‌ها هستند که بدتر از کفارند. آنی که مسلمان می‌گوید هستم و بر ضد اسلام عمل می‌کند و می‌خواهد به ضد اسلام عمل بکند، آن است که در قرآن بیشتر از آنها تکذیب شده تا دیگران» امام خمینی (صحیفه نور، ۱۳۵۹: ۱۹۲)

پیشگامان

بر کس پوشیده نیست، انقلاب اسلامی ایران که به پیروزی رسید، در میان جامعه‌ی انقلابی ایران به تبعیت و فرمانبری از امام خمینی (ره) رهبر علی‌الاطلاق انقلاب اسلامی که توانست با الهام از معارف و احکام اسلام ناب محمدی (ص) و مکتب نبی، تاسیس‌های انقلابی یک قرنی ملت ایران را به پیروزی برساند، با شور و شعف فزاینده، علی‌رغم کاستی‌ها و مشکلاتی که به ویژه در یک سال قبل از پیروزی ایجاد شد، بوده استقلال و آزادی مثبتی را در خود احساس کرده و ابراز شادمانی و خرسندی می‌کردند، ولی در این میان اشخاص و گروه‌های سیاسی‌ای وجود داشتند که احساسشان این بود که به خواسته‌های خود دست نیافته و به حقوق سیاسی‌شان رسیدن را، البته منظورشان دست‌یابی و قبضه کردن مقام‌های سیاسی و اداری کشور بوده است. آنها معتقد بودند که پیروزی انقلاب اسلامی، ثمری تلاش‌ها و مجاهدت‌های آن‌ها نبوده است که روحانیان مبارز و انقلابی به رهبری امام خمینی (ره) آن را مهار به مطلوب کرده و حق آنها را ضایع کرده‌اند!

در حالی که جمله‌ی کارشناسان و نظریه‌پردازان سیاسی و اجتماعی داخل و خارج معتقدند: «انقلاب اسلامی ایران، انقلاب منحصر به هیچ قشر خاصی نبوده، بلکه یک انقلاب همه‌جانبه و متعلق به همه‌ی اقشار و توده‌های مردم ایران بوده است؛ لذا هیچ‌کس نمی‌تواند خود را مدعی مالکیت آن بداند.»

یکی از گروه‌ها و فرقه‌های سیاسی که خود را سهامدار در رهبری انقلاب



می‌دانست و خواهان به‌دست‌گیری قدرت، با خط‌مشی سیاسی و فرهنگی سازمانی که ملهم از اندیشه‌های التقاطی کمونیستی بود، سازمان مجاهدین خلق، می‌باشد.

این گروهک مثل دیگر گروه‌های سیاسی و تروریستی به اهمیت ژئوپلیتیکی جنگل‌های شمال و در واقع دامنه‌های کوهستان بزرگ البرز که دارای پوشش‌های مسب جنگلی و کوهستانی می‌باشد، واقف بوده است و به جنگل‌ها و کوه‌های شمال ایران به عنوان جبهه‌ی سومی برای مشغول کردن نیروهای نظامی و اطلاعاتی عده هم کرد و برنامه‌ی حساب شده‌ای را برای آن تدارک دیده بود. در این راستا تلاش شده است به صورتی گذرا به تلاش‌های ضدانسانی و ضدانقلابی هم‌دند منقبن یا همان سازمان مجاهدین خلق و دیگر گروه‌های سیاسی چپ اعم از مائوئیستی، و لنینیستی در جنگل‌های شمال کشور و اقدامات مقابله‌ای سپاه در برابر این جریان ضدانسانی اشاره گردد.

هدف اصلی گروهک‌های سیاسی و معاند نظام، از بهره‌گیری از امکان «جنگل» درگیر کردن نیروهای نظامی و امنیتی کشور به‌ویژه سپاه پاسداران به عنوان «ضلع سوم جبهه‌ی نبرد با رژیم» بوده است.

آنها معتقد بودند که جبهه‌ی اول منافع جنوب و میانی است که نیروهای نظامی رژیم اعم از سپاه و ارتش را به دلیل گمراهی‌اش به خود مشغول کرده است. جبهه‌ی دوم، جبهه‌ی کردستان است؛ یعنی منطقه که دشمن کشور از آذربایجان غربی گرفته تا استان کردستان و استان‌هایی چون که انشا و ایلام که از ابتدای انقلاب اسلامی نیروهای نظامی و انتظامی رژیم را به خود راه سپاه و ژاندارمری و ارتش و حتی نیروهای اطلاعاتی سپاه و وزارت را به خود مشغول داشته است؛ لذا جمهوری اسلامی قادر نیست که در جبهه‌ی سومی که در جنگل‌های شمالی کشور مبارزه‌ی خود را علیه رژیم آغاز کرده است، موفقیت‌های نظامی داشته باشد و حتی توان نظامی نیز ندارد. آنها می‌گفتند: ما می‌توانیم با ایجاد جبهه‌ی سوم در جنگل‌های شمال که نیروهای رژیم از مقابله و جنگیدن با نیروهای چریک عاجز هستند، عرصه را بر رژیم تنگ کرده و آخرین

ضربات را وارد کنیم.

این گروه‌های معاند اعم از سازمان منافقین و کمونیست‌هایی چون گروه چریک‌های فدایی خلق (اقلیت)، گروه چریک‌های فدایی خلق شاخه ارتش آزادی‌بخش (گروه محمد حرمی پور شوهر اشرف دهقان) و گروه کمونیستی و مائوئیستی اتحادیه کمونیست‌ها، گروه مائوئیستی رنجبران، گروه «راه کارگر» (اتحاد پ) به رهبری حسن ماسالی و ... با انتخاب استراتژی مبارزات جنگل، «خائنان آن بودند که با انتخاب جنگل به عنوان یک پایگاه و مکان امن، خود را برای نبرد با نیروهای نظامی و اطلاعاتی رژیم آماده سازند. آنها با طراحی‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که داشتند، قصدشان این بود که با انجام عملیات مخطف چون سرقت، تیراندازی مؤثر و هوادار نظام در داخل شهرها، سرقت مسلحانه از بانک‌ها، سرانجام علیه پایگاه‌های بسیج و پاسگاه‌های ژاندارمری و ناامن کردن جاده‌های شهری و ... به ویژه نصب کمین و راه‌بندان‌های مکرر در جاده‌های خارج از جنگل، نفس رژیم را به شماره بیندازند.

با عنایت به موارد برشمرده فوق، متن حاضر نتیجه‌گیری کرد که در انتخاب «جنگل» به عنوان ضلع سوم یا چاره‌ی سوم درگیر کردن نیروهای نظام، دو نوع جریان فکری در میان گروه‌های محارب و فداکارانقلاب، اعم از گروه التقاطی منافقین و گروه‌های کمونیستی و مائوئیستی وجود داشته است:

۱- جریان اول مثل اتحادیه کمونیست‌ها یا سربرداران، مبتنی بر جنگل و استقرار در آن را یک مسئله راهبردی دانسته و آنها را به عنوان مرکز و پایگاه اصلی عملیات خود انتخاب کردند، ولی صحنه مبارزه و عملیات نظامی آنان در خارج از جنگل بوده است. این گروه بر اساس تئوری مائوئیستی خود هدف استراتژی مبارزاتی‌شان را به عنوان پایگاه حرکت توده‌ای و قیام دهقانان و روستاییان می‌دانستند و می‌گفتند: «دشمنان ما در شهرها هستند؛ لذا با آزادسازی روستاها، شهرها را محاصره و با تصرف آنها، یکی پس از دیگری منطقه‌ی شمال کشور آزاد خواهد شد.»

۲- جریان دوم مثل سازمان منافقین و تا حدودی اتحاد چپ همچون گروه

فراه کارگر» به رهبری حسن ماسالی، طبق طرح و برنامه‌های قبلی و با انتخاب تیز و استراتژی «قیام مسلحانه‌ی توده‌ای» به صورت تاکتیکی وارد جنگل شدند و مکان «جنگل» را نقطه‌ی آغاز قیام خود اعلام کردند، تا به زعم خود در زمان موعود که قیام عمومی آغاز می‌شود، از جنگل رهسپار شهرها شده و مراکز حیاتی و حساس رژیم را متصرف و رهبری قیام توده‌ها را به دست گیرند. همین‌زی که منافقین مستقر در جنگل‌های غرب گیلان و عمدتاً جنگل‌های هشتپر و والش را فریب داد و بدون هیچ‌گونه عکس‌العملی و گردن نهادن به دستورات بچه‌های اطلاعات سپاه، از جنگل به پایین کشیده شدند و بسا تحویل سلاح و سیانورهای خود به سران کوچکترین واکنشی تسلیم شدند.

متأسفانه به دلیل عدم دسترسی به اسناد و مدارک و پراکنده بودن آنها در آرشیوهای سپاه و وزارت اطلاعات آن‌گاه، که بایست، نمی‌توان از جزئیات قضیه آگاهی داشت. این نوشته صرفاً با اتکا به محفوظات قبلی و یادداشت‌های پراکنده، گردآوری و تدوین گردیده است. امید است که فتح بابی باشد برای دوستان و همکاران سابقم، که فرصت سوزی نکرده و تا خاطره‌هایشان از ذهن مبارکشان زنده نشده، تا حد ممکن به ثبت خراشتشان بپردازند و از صحیفه‌ی دل و مغزشان به صفحه‌ی کاغذ انتقال دهند. بنابراین می‌توان به پرس قاطع گفت، این نوشته خالی از عیب و نقص و اشتباه نیست، ولی همان‌طور که گفتم در حد بضاعت و توانایی، یکسری مطالبی را در خصوص جنایات سره‌های محارب الحادی و التقاطی در جنگل‌های شمال ایران گردآوری نموده‌ام. حال تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.